

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ جنوری ۲۰۱۹

اعدام مجدد زنده یادان "مجید و قیوم" به وسیله دشمنان مردم

۵

سه شنبه ۱۸ جدی ۱۳۹۷ - کابل:

کوبیدن و حمله بر "مجید" زیر نام تجلیل از وی:

اهانت ها و توهین های مستقیم به زنده یادان "مجید و قیوم" و "ساما" زمانی به اوج خود رسید، که جاسوس معلوم الحال انگلیس و ایران، تجزیه طلب مخالف موجودیت کشوری به نام افغانستان در عقب میکروفون قرار گرفت. این فهم تنها بدان علت نیست که چرا یک انسان فاقد شخصیت سیاسی سالم و یک جاسوس، تجزیه طلب و انقیاد طلب معلوم الحال به اساس دعوت فردی به خود جرأت می دهد که دهن کثیفش را راجع به یکی از اسطوره های مبارزاتی افغانستان در قرن بیست باز نماید، بلکه در کنار فقدان شخصیت، این انسان بی آرم با هر کلمه ای که آگاهانه به کار می برد، نیشی حواله آن دو رزمجوی در خون خفته به خصوص زنده یاد "مجید" حواله می نمود. نیش هائی که یا برگزار کنندگان نادان و احمق محفل معنای آن را متوجه نمی شدند و یا این که بنا به دستور اربابان اربابان شان اجازه نداشتند در مورد عکس العملی نشان دهند.

هرگاه از آغاز سخنرانی این جاسوس در باب تاریخ افغانستان آنهم از دیدگاه یک استخباراتی مفلوک بگذریم، "عسکر موسوی" بسیار آگاهانه حملاتش را بر شخص "مجید کلکانی" و "ساما" زمانی حدت بخشید که بحث را به ارتباط "جنگ چریکی" و "وابستگی نظری" طراحان آن به این و یا آن کشور مطرح نمود.

هموطنان گرامی، جهت ایضاح بهتر موضوع، ناگزیر اندکی توجه خوانندگان را به بحث های دهه آغازین ایجاد "ساما" و اتهاماتی که بر آن از طرف دشمنان بی عملش که خوشبختانه امروز همه آنها اعم از سپنراها، روشنها، باقی ها، معراج ها و ... در رکاب امپریالیسم امریکا جانفشانی می نمایند، جلب می نمایم.

به رؤیت اسناد و صحبت شاهدان زنده، در آن زمان این وامانده های جنبش چپ، بدون آن که زحمت مراجعت به "برنامه ساما" و تعمق در آن را به خود دهند و این را ببینند که ستراتیژی مبارزاتی "ساما" در آنجا "جنگ توده ئی طولانی" با ایجاد سه سلاح خلق مطرح گردیده و بدون آن که وجدان شان را حین قضاوت در مورد فعالیت های گسترده و کثیر الساحة "ساما" از پخش شبنامه در شهر ها گرفته، تا ایجاد جبهات نظامی در دهات و روستا های افغانستان، از اعدام انقلابی جنایتکاران و خابیان در شهر گرفته تا خلع سلاح قطعات اردوی افغانستان و از آن طریق مسلح ساختن توده های میلیونی افغانستان جهت پیشبرد یک جنگ توده ئی طولانی، مدنظر گرفته در مورد حکم نمایند، جهت تخریب

"ساما" و زنده یاد "مجید"، بی وقفه اتهام می بستند که گویا "ساما مشی چریکی" دارد عده ای دیگر که نمی توانستند و نمی خواستند درک نمایند که برای یک نهاد مبارزاتی جدی، بعد از تعیین ستراتیژی مبارزاتی، محدود ساختن تکنیک های مبارزاتی، در حکم فرار از مبارزه و رها کردن یک بستر برای دشمنان مردم است، با برچسب "مشی کودتائی" به تخریب "ساما" اشتغال می ورزیدند.

امروز وقتی فردی که شاخ کرگدن درجه داکتر را بر پیشانی نامش دارد، می خواهد در چنان محفلی دیگران را با "افاضات ناب" شان کمک و روشنگری نمایند تا "مجید" را بهتر بشناسند، از چند حالت خارج نیست:

۱- یا فرد مورد نظر یکی از آنهاییست که با وجود برخورداری از شاخ کرگدن، به مانند اصحاب کهف تازه از خواب ۴۰ ساله بیدار شده و هنوز هم خودش و محیط ماحولش را در همان فضاء و همان زمان می بیند.

۲- یا آدم نادان و بی مطالعه ایست که در طی ۴۰ سال با آن که برنامه "ساما" و عملکردش در زمان اشغال شوروی بارها و بارها نشر و مورد ارزیابی قرار گرفته، یا تا هنوز آنها را نخوانده و یا هم اگر خوانده، نتوانسته تضاد بین "مشی چریکی" و "ابجاد سه سلاح خلق" را درک نماید.

۳- یا انسان مغرض و گماشته شده ایست که هدفمندانه می کوشد نخست اتهامی را بر کسی تحمیل دارد و بعداً در رد آنچه خود برچسب زده است، سخنرانی و طرف مورد نظر را تخریب نماید.

در غیر آن برای کسی که ادعای داشتن و برخورداری از شاخ کرگدن را دارد الزام آور است وقتی در چنین جلسه ای شرکت می ورزد قبلاً خود را حد اقل با "برنامه ساما" که در همان کتاب قابل رونمایی گویا منتشر شده است، آشنا ساخته چند پراگنی نکند.

این انسان بی آزرمتنها به آن هم اکتفاء ننمود که زنده یاد "مجید" این مارکسیست لنینیست و پیرو اندیشه مائو تسه دون را که به جرأت می توان نوشت با طرح و برداشت خاصش از یک سازمان "سیاسی-نظامی" که آن را در برنامه "ساما" فورموله نموده است، در جمع یکی از تئوریسین های مارکسیستی به شمار می رود که با تأسف کارش نیمه کاره ماند، اتهام وابستگی نظری به این و یا آن بخش چپ زدن، کثافات خود را بر دیگران پاشیدن و همه را در آئینه خود دیدن بود.

هموطنان گرامی!

خلاف تمام آنهایی که از برآشفتگی و به هم خوردن آن محفل انتقاد می ورزند، من از خود و متباقی شرکت کنندگان صادق و وفادار به امر مبارزه و انقلاب و از تمام آنهایی که ادعای داشتن "ارادت رفیقانه" به زنده یادان "مجید و قیوم" می نمایند و در آن محفل حضور داشتند، انتقاد می نمایم که چرا ما زودتر از آن اقدام نورزیدیم و گذاشتیم تا انسانهای فاقد وجدان از قماش "عسکر موسوی" و گردانندگان ظاهر و مخفی آن محفل، فرصت بیابند تا بر فرزندان فرزانه خلق توهین نموده، آنها را مجدداً اعدام و تیرباران نمایند.

از چنین محافلی باید بیاموزیم که نباید به "شهید دزدان" اجازه برآمد و امکان عمل داد. امپریالیسم امریکا و شرکاء توسط افرادی از قماش میزبانان این محفل و "عسکر موسوی" ها، تلاش می ورزد تا تاریخ مبارزاتی خلق ما را قسماً به لجن بهتان آلوده سازد و قسماً برباید، باید هوشیار بود و به آنها اجازه چنین دستبردهای خایانه و تحریفات ارتجاعی و ضد انقلابی را نداد.

سرکها ما را می طلبد!!